عصر مهدويت و حقوق محيط زيست

 دكتر سيد علي رضا حجازي

 چكيده

در نوشتار حاضر، براي تبيين وضعيت حقوق محيط زيست در عصر مهدوي، ابتدا به وضعيت حقوق مزبور و اهميت و شرايط بحراني آن در جهان امروز اشاره مي‌شود. سپس براي تشريح بيشتر موضوع در حكومت جهاني موعود، به طور اجمال، ‌اين مسأله در سيرة معصومان عليه السلام بررسي مي‌شود. نتيجه اين بررسي نشان خواهد داد توجه ويژه حكومت مهدوي به موضوع محيط زيست و ارتقاي تعالي بخشي به آن، ريشه در تفكر ناب اسلامي دارد. آن‌گاه به طور ويژه، مبحث حاضر در آموزة مهدوي تحقيق شده و اين نتيجه به دست خواهدآمد كه در عصر ظهور، حقوق محيط مذكور به نحو كامل رعايت شده و حتي موجودات و محيط زيست آن‌ها در گستره‌هايي به وسعت جهان هستي، در حيات مادي و معنوي تكامل يافته به نهايت تحقق استعدادها و قابليت‌هاي بالقوه خويش خواهند رسيد و عالم هستي از هرگونه آلودگي مادي و معنوي، پاك خواهد شد. در خاتمه، برخي ويژگي‌هاي زيست‌محيطي دوران طيبة مهدوي به نحو اجمالي يادآور مي‌شود.

بنابراين محيط زيست و موجودات هستي با اين تحول و استحاله ايجابي، به اصل و وضع اصلي و طبيعي و الهي خود باز خواهند گرديد و بنا به تعريف عدل) قرارگرفتن هر چيز در جاي خود و استيفاي اهليت‌ها و استحقاق‌ها) عدالت در‌بارة آن‌ها اجراشده و به نهايت اهليت و سزاواري و تحقق استعدادها و قابليت‌هاي مكنون خويش دست خواهند يافت.

كليد واژه‌ها: محيط زيست، مهدويت، احاديث، تخريب، حيات.

موضوع محيط زيست و ضرورت صيانت و حمايت از آن در تاريخ بشر از اهميت و جايگاهي ويژه برخوردار بوده است، تا جايي كه اين امر، انسان‌ها و جامعة انساني را واداشته است در چند دهه اخير، با وضع مقررات و قواعد ويژه‌اي، حقوق خاصي را تحت عنوان حقوق محيط زيست تدوين نمايند. با اين وجود، هنوز هم بشر مدرن نتوانسته تبعات مخرّب حيات صنعتي، ماشيني و مصرفي خود را بر محيط زيست كنترل كند و جهان، همواره با روند تخريب و آلودگي روز‌افزون محيط مزبور رو‌به‌رو است.

نظر به ضرورت طرح مباحث جديد و گشودن زواياي جديد در حوزه موضوع مهدويت، اين مقاله تلاش دارد نوع نگرش به محيط زيست و جايگاه آن را در حيات طيبة مهدوي بررسي كرده و اين ادعا را اثبات نمايد كه حقوق محيط مذكور و همچنين حقوق كليه جانداران و گياهان در عصر ظهور، به نحو كامل رعايت شده و حتي اين موجودات و محيط زيست آن‌ها در دوران مهدي عجل الله تعالي فرجه به نهايت تحقق استعدادها و قابليت‌هاي بالقوه خويش خواهند رسيد.

فصل اول: نگرشي به حقوق محيط زيست در جهان امروز

«محيط زيست ‌يكي از اصلي‌ترين دغدغه‌هاي بشر وجهان مدرن در چند دهة گذشته تاكنون بوده است. برهمين مبنا، ايجاد و تحول حقوق و تكاليف مربوط به محيط مزبور ـ چه در حقوق داخلي و چه در حقوق بين الملل ـ از مسائل بسيار مهمي است كه ذهن بسياري از صاحب‌‌نظران، دولتمردان و انبوهي از سازمان‌هاي جهاني و معاهدات بين‌المللي را به خود معطوف و مشغول كرده است.

البته محيط زيست ـ دست‌كم به معناي امروزي آن ـ در بسياري از زبان‌ها يك اصطلاح نو و تازه است و سابقه كاربرد آن در زبان فرانسه، به قرن دوازدهم برمي‌گردد. اين اصطلاح، از آغاز دهة 1990 م كاربرد گسترده پيدا كرده است.

محيط زيست از گذشته‌هاي دور نيز مورد احترام تمدن‌ها و فرهنگ‌هاي پيشين بوده و از قداست خاصي برخوردار بوده است؛ براي نمونه بين ايرانيان، پرستش ميترا يا خورشيد، بين هنديان و مصريان، تقديس رودخانه‌هاي گنگ و نيل و بين بابليان، پرستش ستارگان رواج داشته و در كتاب‌هايي ‌چون ريگ‌ودا) كتاب مقدس هندوان)، تورات و قانون حمورابي دربارة حفظ منابع طبيعي و خود آلودگي محيط زيست مطالبي، وجود دارد. اقوام ديگر چون فنيقي‌ها، ليدي‌ها، هيتي‌ها، اقوام مايا و اينكا نيز به تقديس پديده‌هاي طبيعي پرداخته‌اند كه نشانة ايدة علاقه به طبيعت و حفظ محيط زيست از ادوار گذشته مي‌باشد.[1]

با ظهور انقلاب صنعتي در قرن هجدهم، آسيب‌هاي زيست محيطي ـ به‌ويژه در جهان صنعتي غرب ـ شكل بسيار ملموس‌تري يافت و پس از آن، در قرن بيستم خسارات زيست محيطي با قضايايي همچون «تريل اسميلتر» در سال 1941م، «كانال كورفو» در 1949م «اختلاف درياچه لانو» در1959م، «اختلاف سدگات» در 1998م، «قضيه كاسموس» در سال 1998م در فضا، فاجعه كارخانه شيميايي «بوپال هند» در سال 1984م، فاجعة «نيروگاه هسته‌اي چرنوبيل» در 29 آوريل 1989م و آلودگي‌هاي ناشي از حريق عمدي چاه‌هاي نفت كويت توسط عراق در جنگ دوم خليج فارس، شكل عيني‌تر و بحراني‌تري يافت و نشان داد كه بشريت براي چيرگي بر اين خطرات، نيازمند عزمي جهاني و برنامه‌ريزي دقيق و انجام اقدامات قاطع و فراگير در سطوح محلي، منطقه‌اي و بين‌المللي است؛ زيرا در غير اين صورت، حيات بشري دچار نابودي و انهدام روز افزون‌تري خواهد شد.

امروزه تهديدهاي زيست محيطي، دامنه وسيعي را در بر‌مي‌گيرد؛ از جمله: آب وهوا، ميزان حرارت و گرم شدن دماي زمين، بالا آمدن سطح درياها، حفظ گونه‌هاي مختلف، به ويژه نادر گونه‌هاي گياهي و جانوري، فرسايش لايه اُزُن، آثار فعاليت‌هاي صنعتي، تخريب جنگل‌ها، آلودگي آب‌ها، باران‌هاي اسيدي، آلودگي‌هاي صوتي، نظامي، هسته‌اي و مانند آن.

از سويي برخي از اين ضايعات زيست محيطي، خود نيز منشأ ضايعات گسترده‌تري شده اند؛ براي نمونه كارشناسان معتقدند قطع درختان جنگلي به صورت انبوه و انتشار پياپي ضايعات صنعتي در فضا، سبب تغييرات بسيار نامطلوب در وضعيت آب و هواي جهاني و بالا آمدن سطح آب درياها و ـ به تبع آن ـ زير آب رفتن دشت‌هاي ساحلي و گسترش امواج گرمازا شده است؛ همچنان كه سوخت‌هاي فسيلي و استفاده نامتناسب و گسترده از آن‌ها، سبب افزايش دي‌اكسيد‌كربن زمين و ايجاد پديدة گازهاي گلخانه‌اي شده است. وجود گازهاي سمي منتشر شده از فعاليت‌هاي صنعتي، به اسيدي شدن باران‌ها انجاميده و آب‌هاي مصرفي و فضاي حياتي موجودات دريايي را مسموم كرده و سلامت انسان‌ها را به خطر انداخته است.

امروزه، اين اعتقاد وجود دارد كه اگر چه موضوعات محيط زيستي، از جهت روابط بين‌الملل، پديده‌هاي جديدي نيست، با توجه به وخامت اوضاع آن، رهبران جهان به طور فزاينده‌اي مسائل محيط زيستي را از موضوعات حاشيه‌اي و جانبي، به دستور كار اصلي سياسي‌ خود منتقل كرده‌اند.

هم‌چنان كه همين رويه نيز دربارة عملكرد سازمان‌هاي بين‌المللي و جهاني در نحوة برخورد پيشگيرانه از آلودگي محيط زيست مشاهده مي‌شود. تصويب و انعقاد ده‌ها معاهده و كنوانسيون زيست محيطي، بيان‌كننده چنين اهميت روز‌افزوني است.

بايد خاطرنشان نمود كه اصطلاح«محيط زيست» را مي‌توان به يك منطقه يا تمام سياره و حتي به فضاي خارجي‌اي كه آن را احاطه كرده است اطلاق كرد. يونسكو، براي محيط زيست، از اصطلاح «بيوسفر» يا لاية حياتي نام برده كه از تعاريف موسَّع در اين باره بوده و عبارت است از: «محيط زندگي بشر يا آن بخش از جهان كه بنا به دانش كنوني بشر، همة حيات در آن استمرار دارد». در حقيقت، بيوسفر يا لاية حياتي، همان لايه و قشرنازكي است كه اين كره خاكي را در ميان گرفته و شامل زمين و هزار متر بالاي آن و عمق زمين و اقيانوس‌ها است.

همچنين محيط زيست، شامل آب، هوا، خاك و عوامل دروني و بيروني مربوط به حيات هر موجود زنده مي‌باشد كه در حقيقت، حيات انساني، جانوري، گياهي و رشد آن‌ها از اين محيط اثر مي‌پذيرد. همچنين از نظر برخي كنوانسيون‌هاي محيط زيستي، محيط مذكور، شامل بخش‌هاي زير مي‌شود:

الف. منابع طبيعي ـ اعم از تجديدپذير و غير قابل تجديد ـ مانند هوا، آب، خاك و كليه جانوران و گياهان و تأثير متقابل اين عوامل بر يكديگر؛

ب. اموال و دارايي‌هايي كه از ميراث فرهنگي مي‌باشند؛

ج. مناظر و چشم اندازهاي ويژه.

از اين‌رو، محيط زيست ساخت دست بشر، شامل بناها، آثارتاريخي، ساختمان‌هاي گوناگون يا مناظر و چشم اندازهاي ويژه در جايگاه بخشي از محيط زيست، بايد برابر خرابي حراست شوند؛ همان طور كه منابع طبيعي كرة زمين از جمله هوا، آب، زمين، گياهان، حيوانات ـ به ويژه نمونه‌هاي معرف اكوسيستم‌هاي طبيعي ـ بايد به نفع نسل‌هاي حاضر و آينده، حفاظت شوند و با منطقي كردن مديريت توليد و مديريت منابع، تعارض موجود ميان توسعه و محيط زيست حل شود؛ اما متأسفانه به وضوح مشخص است كه انسان عصر فراصنعتي و دورة «بيوتكنوالكترونيك» امروز، نتوانسته است بر معضل نابودي و تخريب محيط زيست توسط خويش فائق آيد و با نابودي فزاينده جنگل‌ها، افزايش بيابان‌ها، آلودگي هوا و آب و خاك، محيط زيست و انقراض گونه‌هايي از حيات جانوري و گياهي مواجه است . اين فرايند، در مداري بسته و قهقرايي، پيوسته در حال تكرار است. باز هم متأسفانه سرعت تخريب محيط مزبور از سرعت ترميم آن، روز افزون‌تر است.

فصل دوم: حقوق محيط زيست در سيرة نبوي و معصومان عليهم السلام

در بحث از آموزة مهدويت، همواره نظر كردن به سيرة عموم معصومان ـ از خاتم انبيا صل الله عليه و آله تا امام يازدهم عليه السلامـ راه‌گشا و ضروري است؛ زيرا حاكميت و امامت حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه نقطه پاياني و تكميل رسالت نبوي و امامت ساير معصومان عليه السلام خواهد بود. بديهي است اين سيره، شارح و مبيِّن آموزة مهدويت است؛ همان‌طور كه اين آموزه نيز مكمل و مبيِّن سيرة مزبور مي‌باشد. بدين لحاظ اين‌جا به گونه‌اي بسيار اجمالي به جايگاه حقوق موجودات ـ اعم از جانوري و گياهي و محيط زيست آن‌ها ـ در جايگاه مدخلي مقدماتي در تبيين بحث مذكور در آموزة مهدويت مي‌پردازيم.

ابتدا بايد گفت پيامبر مكرم اسلام صل الله عليه و آله به اين موضوع بسيار اهميت مي‌داده است. در نهج الفصاحة وديگركتاب‌هاي روايي، احاديث فراواني از آن حضرت دربارة اهميت درخت و درخت‌كاري و عمران و آباداني محيط زيست نقل شده است؛ از جمله:

هركس‌ درختي‌ بنشاند كه‌ انساني‌ يا ديگر مخلوق‌ خدا از آن‌ بخورد، براي‌ وي‌ صدقه‌اي‌ است‌.[2]

هركسي درختي بنشاند، خدا به اندازه ميوه‌اي كه از آن درخت برون مي‌شود، براي وي پاداش ثبت مي‌كند[3].

]خداوند[ درخت‌ را براي‌ انسان‌ آفريد؛ پس‌ او را مكلف‌ گرداند كه‌ درخت‌ بكارد، آن‌ را آبياري‌ كند و در حفظ‌ آن‌ بكوشد.[4]

هركس‌ درخت‌ محتاج‌ به‌ آبياري‌ را سيراب‌ نمايد، گويي انسان‌ مؤمن‌ تشنه‌اي‌ را سيراب‌ كرده‌ است‌. [5]

پيامبراكرم صل الله عليه و آله در حديث فاخر ديگري، كاشت درخت، جاري كردن نهر و حفرچاه را سه مورد از صدقات جاريه، همپاي اثر فرزند صالح و ساخت مسجد به شمار آورده است كه پاداش آن نيز براي فاعل آن، تا ابد دوام مي‌يابد. به فرموده آن حضرت، هفت چيز است كه پاداش آن براي بنده در قبر او و پس از مرگش دوام دارد: كسي كه دانشي بياموزد، نهري به جريان آورد، چاهي حفر كند، نخلي بكارد، مسجدي بسازد، مصحفي به ارث گذارد يا فرزندي بر جا نهد كه پس از مرگش براي او آمرزش خواهد.[6]

پيامبر گرامي اسلام صل الله عليه و آله در حديث ارزشمندي، زمين راهمچون مادري مي‌داند كه حفاظت ومراقبت از آن، بر همگان واجب ولازم است:

زمين‌ را خوب‌ نگاه‌ داريد كه‌ گويي‌ مادر شما است‌. هركس‌ بر روي‌ زمين‌ خوبي‌ كند يا بدي‌ كند، زمين خبر مي‌دهد.[7]

توصيه‌هاي پيامبرگرامي صل الله عليه و آله دربارة حفظ حقوق حيوانات و برخورد ملاطفت‌آميز با آن‌ها فراوان است. آن حضرت، بر نهي شديد از اذيت و كشتن نا‌ بجاي حيوانات، بر رسيدگي كامل به آن‌ها تأكيد مي‌ورزد؛ از جمله:

1. چهارپا و مَركب‌ بر صاحبش‌ شش‌ حق‌ دارد:

هرگاه‌ پياده‌ شد، به‌ او علف‌ دهد؛ هرگاه‌ از كنار آب‌ گذشت‌، آب‌ را بر او عرضه‌ كند؛ او را نزند، مگر از روي‌ حق‌؛ بيش‌ از طاقتش‌ بر او بار نگذارد؛ بيش‌ از طاقتش‌ او را راه‌ نبرد و او را زير بار سنگين‌ِ خود نايستاند.[8]

2. هر حيوان، پرنده يا غير آن كه به ناحق كشته شود، روز قيامت با قاتل خويش مخاصمه كند.[9]

3. هر كسي گنجشكي را بيهوده بكشد، روز قيامت، ]آن گنجشك[ بيايد و نزد عرش فرياد زند و گويد: «پروردگارا! از اين بپرس: چرا مرا بي‌فايده كشت؟».[10]

4. زني به جهنم رفت؛ زيرا گربه‌اي را بسته بود وچيزي بدو نخورانيد و نگذاشت از چيزهاي زمين بخورد، تامرد.[11]

در روايات نبوي،بر ساخت‌و‌ساز و عمران محيط زيست تأكيد فراواني شده است. آن حضرت افراد را از مسكن گزيدن در خانه‌هاي ويران برحذر داشته و عدم اجابت دعاي چنين كسي را همانند فردي دانسته است كه در حفظ حيوان تحت مالكيت خويش اهمال مي‌ورزد و فرموده است:

سه كسند كه خدا دعايشان را نمي‌پذيرد؛ مردي كه در خانة ويران جاي گيرد، مردي كه كنار راه اقامت گزيند و مردي كه حيوان خود را رها كند و سپس دعا كند كه خدا آن را نگه دارد.[12]

پيامبر اكرم صل الله عليه و آله در احاديث فراوان ديگري، خرج كردن براي اسب را همچون نفقه ضروري دانسته و ضمن همانند دانستن آن با صدقه، امساك در اين باره را نهي كرده و صاحبان اين حيوان را براي افزايش بركت آن، به نوازش پيشاني آن، توصيه فرموده‌ است. بديهي است با توجه به كاربرد گسترده حيواناتي مانند اسب در امور نظامي و حمل و نقل، تأكيد حضرت بر اسب، به صورت نمادين بوده و در واقع ناظر بر حفظ حقوق ساير حيوانات نيز مي‌باشد؛ همچنان كه پيامبر صل الله عليه و آله مردم را به تكريم گاو در جايگاه مهتر چهارپايان توصيه مي‌نمايند. همچنين از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه پيامبراكرم صل الله عليه و آله مردم را از شلاق زدن ـ به خصوص به صورت چهارپايان ـ و كشتن زنبور عسل نهي مي‌كرد.[13] در حديث ديگري از امام صادق عليه السلام به علت نهي از شلاق زدن به چهرة حيوانات اين گونه اشاره شده كه حيوانان، با صورت خود خداوند را تسبيح مي‌كنند.[14] نيز امام حسين عليه السلام در اين باره فرمود:

براي هر چيز، حرمتي نهاده‌اند و حرمت چهارپايان، در چهرة آن‌ها نهفته است.

در روايات اسلامي، انسان‌هاي فاقد عقل، در رديف چهارپايان به شمار آمده‌اند و حتي انساني كه شهوتش را بر عقلش حاكم مي‌كند از چهارپايان بدتر به شمار آمده است. بدين ترتيب، حيوانات، به دليل فقدان عقل، در مرتبه پايين‌تر از انسان‌ها قرار داده شده‌اند؛ ولي اين مسأله دليلي بر تجويز عدم مراعات حقوق آن‌ها نيست، چنان كه در برخي روايات، موجودات جانوري، چهار دسته به شمار آمده اند:

اول، انسان‌ها كه كامل‌ترين موجودات هستند، سپس چهارپايانندكه مهتري آن‌ها با گاو است و سومين دسته پرندگان هستند كه مهتر آن‌ها كركس است و چهارمين صنف متعلق به حيوانات وحشي، با مهتري شير است. در اين روايت، حضرت علي عليه السلام تصريح فرموده‌ است كه گاو، عقاب و شير براي صنوف زير مجموعة خويش، با تضرع، از خداوند رزق و شفاعت مي‌خواهند. بدين ترتيب، بيان شده است كه همه حيوانات، اهل تسبيح خداوند بوده و به سبك و سياق خويش پروردگار را عبادت مي‌‌كنند.[15] با توجه به اين نوع نگرش دين اسلام به حيوانات و حتي گياهان، علت توصيه به رفتار محبت آميز و محترمانه و مودت‌آميز توسط اين دين حنيف، بيشتر مشخص مي‌شود.

سيرة امام علي عليه السلام نيز مشحون حمايت از حقوق محيط زيست و رعايت حقوق حيوانات است. فراز دوم نامة 25 حضرت كه در واقع، دستورالعملي براي جمع آوري ماليات است، يكي از بهترين منشورهاي اسلامي در زمينة رعايت حقوق حيوانات است. اين بخش از نامه كه در سال 39 ق به كارگزاران نگارش يافته است، نحوة جمع آوري ماليات‌هايي كه از حيوانات جمع آوري مي‌شود را يادآوري كرده، نوع برخورد و نگهداري اين حيوانات را تا تحويل به بيت‌المال مسلمين چنين شرح مي‌دهد و عمل به اين دستور‌العمل را ماية هدايت و بزرگي پاداش الهي به شمارمي‌آورد:

در رساندن حيوانات، آن را به دست چوپاني بسپار كه خيرخواه و مهربان، امين و حافظ كه نه سختگير باشد و نه ستمكار، نه تند براند و نه حيوانات را خسته كند. سپس آنچه از بيت‌المال جمع آوري شد، براي ما بفرست، تا در نيازهايي كه خدا اجازه فرموده مصرف كنيم. هرگاه حيوانات را به دست فردي امين سپردي، به او سفارش كن بين شتر و نوزادش جدايي نيفكند و شير آن را ندوشد، تا به بچه‌اش زيان وارد نشود. در سوار شدن بر شتران عدالت را رعايت كند، و حال شتر خسته يا زخمي را كه سواري دادن براي او سخت است، مراعات بنمايد. آن‌ها را در سر راه، به درون آب ببرد، و از جاده‌هايي كه دو طرف آن، علفزار است به جاده بي‌علف نكشاند، و هرچند گاه شتران را مهلت دهد تا استراحت كنند، و هرگاه به آب و علفزار رسيد، فرصت دهد علف بخورند و آب بنوشند، تا آن‌گاه كه به اذن خدا برما وارد شوند، فربه و سرحال، نه خسته و كوفته باشند، تا آن‌ها را بر اساس رهنمود قرآن و سنت پيامبر صل الله عليه و آله تقسيم كنيم. عمل به دستورهاي ياد شده، ماية بزرگي ِ پاداش و نيز هدايت تو خواهد بود.

فصل سوم: حقوق زيست محيطي در عصر مهدوي

با تأملي كوتاه در روايات مختص به عصر ظهور، به خوبي فهميده مي‌شود كه فضاي زيستي و موجودات ساكن در اين قلمرو، از نهايت مواهب حكومت حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه برخوردار شده، طعم آسايش، آرامش و حيات طيبة مبتني بر عدالت را خواهند چشيد. در اين جا به قرائني اجمالي از روايات وارده در اين مورد ـ با ذكر شاخصه‌هاي لازم ـ مبادرت مي‌كنيم؛ به عبارت ديگر، موارد زير، برخي ويژگي‌هاي محيط‌زيست عصر ظهور و رعايت كامل حقوق مزبور در آن دوره خواهد بود. البته ياد‌آوري آن‌ها از باب حصر نيست، بلكه تنها اشاره‌اجمالي است:

1. تطهير و نورانيت زمين

در عصر مهدوي، زمين با لطف الهي از هر جور و ظلمي تطهير مي‌شود و با نور الهي منور و تابان مي‌گردد. كلمات جور و ظلم، با كلماتي مانند طغيان و انحراف ترادف معنايي دارند. بديهي است هرگونه تلوّث و آلودگي، زيرمجموعه معاني جور و ظلم قرار مي‌گيرد؛ زيرا هر‌گونه آلودگي، به معناي انحراف از طبيعت مخلوق الهي و به معناي تعدي از حق و حركت به سوي باطل است؛ همچنان كه به هرگونه تجاوز از حق ـ اعم از كم و زياد ـ اطلاق مي‌شود. همچنين ظلم در لغت، به معناي تاريكي و شكافي است كه در زمين به وجود مي‌آيد و به معناي «تجاوز از حد و قرار دادن چيزي در جاي نامناسب» نيز آمده است. ابن فارس در معجم خود، اذعان مي‌كند:

ظلم به دو معنا گفته مي‌شود: نخست به مفهوم مخالف نور و روشنايي و دوم، قرار دادن چيزي در جايگاهي كه شايسته آن نيست.[16]

واضح است كه حكومت ظلم‌ستيز و عدالت‌محور مهدوي بر طبق اين تعاريف، حكومتي بر مبناي تطهير محيط‌ زيست از هرگونه آلودگي و انحراف بوده و اين محيط را به وضعيتي آرماني برگشت خواهد داد و از طهارت و حيات طيبه آن حفاظت خواهدكرد. امام رضا عليه السلام در تأييد مراتب فوق مي‌فرمايد:

خداوند، به واسطة او ]حضرت مهدي‌ عليه السلام‌ [زمين را از هر گونه جور و ظلم، مطهّر و منزّه مي‌كند. پس هنگامي كه وي خروج كند؛ زمين با نور پروردگار، نوراني شده و ترازوي عدالت، ميان مردم حكم‌فرما مي‌شود. پس از آن، ديگر احدي به ديگري ظلم نمي‌كند. او ]حضرت مهدي‌ عليه السلام‌ [كسي است كه زمين برايش در نورديده مي‌شود.[17]

2. رضايت و سُرور موجودات و محيط زيست

روايات بي‌شماري در تبيين عصر مهدوي، حاكي از نهايت رضايت تمام ساكنان و موجودات از حكومت مهدي موعود عليه السلام است. پر واضح است كه اين رضايت و سرور همگاني، نمي‌تواند بدون تأمين حقوق محيط زيست و كليه ساكنان آن باشد. در روايات متعددي ـ به ويژه از پيامبر صل الله عليه و آله ـ اين معنا چنين ذكر شده است:

زمين، از عدل پر مي‌شود؛ همان‌طور كه پيش‌تر، از جور پرشده بود. در خلافت او، اهل زمين و اهل آسمان و پرنده در هوا، از اين حكومت راضي و خوشحال هستند.[18]

3. امنيت، صلح و دوستي در سپهر انساني، حيواني و گياهي

محصول عدالت‌گستري و ظلم‌ستيزي حكومت مهدوي و رعايت حقوق محيط زيست و ساكنان آن، چيزي غير از امنيت و برقراري صلح و دوستي در فراخناي هستي نمي‌تواند باشد. همان‌طوركه برحسب روايات، كينه‌ها و اختلاف‌ها از جامعه بشري رخت بر مي‌بندد، اين عوامل، از عالم حيواني و جانوري نيز ناپديد خواهد شد. حتي حيواناتي كه به كينه‌جويي و تقابل با هم شهره بوده‌اند، در كمال مسالمت و آرامش به زندگي مودت‌آميز كنار هم خواهند پرداخت؛ همچنان كه در حديث معروفي كه نشانه وضع امنيت بي‌سابقه در عصر ظهور است چنين ذكر شده:

در اين عصر، حيوانات وحشي و چهارپايان دركمال صلح و مسالمت با يك‌ديگر به سر مي‌برند؛ به همين دليل نيز حيوانات وحشي، ديگر خوف‌برانگيز نبوده، به سايرحيوانات حمله نمي‌كنند.

در روايتي ديگرذكر شده است:

حيوانات وحشي، امنيت مي‌يابند، تا حدي كه همانند چهارپايان اهلي در راه‌هاي زمين به گردش در آمده و به چرا مشغول مي‌شوند.[19]

در روايتي ديگر اين وضعيت بدين صورت تشريح شده است:

نام او نام پيامبر صل الله عليه و آله است. به عدالت، امر كرده و خود بدان عمل مي‌كند و از منكر نهي نمايد. خداوند، توسط وي از ظلم جلوگيري كرده و شك و عدم بصيرت‌ها را مي‌زدايد. گرگ و گوسفند در ايام او با هم به چرا مي‌پردازند و ساكنان آسمان و پرنده در هوا و ماهي‌هاي دريا از او راضي و خشنود هستند.[20]

همچنين در كنزالفوائد از ابن‌عباس، ويژگي‌هاي عصر ظهور ذكر شده كه يكي از آن‌ها چنين است: گرگ، ميش، گاو، شير، انسان و مار از جان خود ايمن باشند.[21]

نيز امام صادق عليه السلام با تشريح بركت‌دهي آسمان و زمين در اين دوره مي‌فرمايند:

همة وحوش و درندگان، در امنيت كامل خواهند بود.

بنابراين، همان‌گونه كه پيامبر صل الله عليه و آله فرمود، در حكومت جهاني حضرت مهدي عليه السلام مردم در رفاه و چهارپايان در آسايش مي‌باشند.[22] در روايت ديگري از پيامبر صل الله عليه و آله كه گوياي اوج حفظ حقوق محيط زيست در آن عصر طيبه مي‌باشد آمده است:

... نامش نام من است، موقع ظهور او، پرندگان در آشيانه‌هاشان و ماهيان در درياها با كمال آزادي و دور از هرگونه ترس توليد نسل مي‌كنند و نهرها كشيده مي‌شود و چشمه‌ها مي‌جوشد و زمين، دو برابر محصول خود را مي‌روياند... [23]

4. فعليت يافتن همه قابليت‌هاي محيط زيست در بالاترين حد

با توجه به اين‌كه در اصيل‌ترين منابع ديني، عدالت به معناي قرار گرفتن هر چيز در جاي خويش و ايفاي اهليت‌ها و رعايت و استيفاي كليه حقوق‌ها آمده است، در حكومت مهدوي، هر موجودي ـ اعم از انسان، حيوان و نبات ـ بايد به عالي‌ترين جايگاه و به تحقق كليه استعدادها و قابليت‌هاي خود برسد. چنين است كه در عصر مهدوي، افزون بر جامعه بشري، محيط زيست اَرضي و سَماوي وكليه موجودات ساكن در آن‌ها، به عالي‌ترين و نهايي‌ترين حد تحقق قابليت‌هاي خود دست مي‌يابند؛ به همين دليل، آسمان و زمين، ثروت‌هاي مكنون خود را بيرون مي‌ريزند و هرگونه آلودگي و تلوث را از خود دور مي‌سازند و پوشش گياهي، تمام عالم را فرا مي‌گيرد؛ هم‌چنان‌كه در روايت مربوط به مسافرت سرشار از امنيت زني كه راه عراق تا شام را مي‌پيمايد، آمده است كه وي «درمسير خويش گام نمي‌گذارد مگر برنبات و گياهان».[24] اين نشانه‌اي از پوشش گستردة گياهي در سراسر جهان است كه شام و عراق كه مناطقي تقريباً كم آب و علف و نيمه خشكند، در عصر ظهور، پوشيده از گياه مي‌شوند. برخي از روايات، بيان‌كنندة تحقق كليه استعدادهاي بالقوه محيط زيست در دوران ظهور، بدين شرح است:

امير مؤمنان عليه السلام مي‌فرمايد:

پس]حضرت مهدي[ مردم را مورد خطاب قرار داده و سپس زمين را به عدالت، بشارت مي‌دهد. در اين هنگام، آسمان، باران خود را عطا كرده و درختان ميوه‌هاي خود را فرو مي‌فرستند.زمين، كليه رستني‌هاي خويش را عرضه كرده براي اهل عالم، و خود را با اين گياهان زينت مي‌بخشد...؛ هم‌چنان‌كه زمين براي مردم، گنج‌هاي خود را خارج مي‌سازد. [25]

پيامبر صل الله عليه و آله در حديثي مي‌فرمايد:

خداوند گنج‌ها و معادن زمين را براي او آشكار ساخته و وي را با رعب خويش ياري مي‌دهد.[26]

ذكر روايتي ديگر از پيامبر گرامي ‌اسلام صل الله عليه و آله در اين‌باره نيز به تنوير مطلب كمك بيشتري مي‌كند:

مردي از اهل بيت من خروج نموده، به سنت من عمل مي‌كند. خداوند، براي وي بركت‌هاي خويش را از آسمان فر و مي‌فرستد و زمين نيز بركات خود را خارج مي‌سازد... . امت من، در زمان وي از نعمت‌هايي برخوردار مي‌شود كه پيش‌تر، از آن‌ها بهره‌مند نشده بود و نيكوكار و فاجر، جزو بهره‌مندان از اين نعمت‌ها هستند. آسمان، بر آن‌ها باران‌هايش را نازل كرده و زمين چيزي از روييدني‌هايش باقي نمي‌ماند، مگر اين كه آن‌ها را بروياند و تأخيري در اين مورد روا نمي‌دارد. [27]

5. عمران وآباداني و توسعة موزون محيط زيست

مطالب پيشين، به خوبي گوياي اوج عمران و آباداني محيط زيست در عصر ظهور است. با وجود اين، در پاره‌اي روايات، به گونه‌اي دقيق‌تر و مصداقي‌تر به اين آباداني اشاره شده و حتي آمده است كه تمام ويرانه‌هاي زمين آباد مي‌شود. امام‌باقر عليه السلام فرمود:

خداوند، دين خود را به وسيلة او برتمام مكتب‌هاي جهان پيروز مي‌كند؛ هرچند مشركان ناخشنود و مخالف باشند؛ ويراني‌هاي زمين، آباد مي‌شود...‌.[28]

همچنين در تفسير آية «مدهامّتان» از امام صادق عليه السلام منقول است:

در عصر ظهور، بين مكه و مدينه از درختان نخل متصل مي‌شود.[29]

نيز امام صادق عليه السلام در بخشي از كلام خود دربارة اين عصر، مي‌فرمايد:

امام عليه السلام مسجدي بيرون كوفه مي‌سازد كه هزار در داشته باشد. خانه‌هاي كوفه، به نهر كربلا و «حيره» متصل مي‌شود؛ به طوري كه مردي روز جمعه، سوار استر تندرو مي‌شود، تا خود را به نماز برساند، ولي به نماز نمي‌رسد.[30]

شيخ طوسي در كتاب تهذيب با ذكر روايتي مي‌نويسد: اميرالمؤمنين عليه السلام به «حيره» تشريف برد و فرمود: روزي برسد كه كوفه به حيره وصل شود و چنان مرغوبيت پيدا مي‌كند كه يك ذرع زمين آن، به چند اشرفي فروخته مي‌شود. مسجدي درحيره بنا مي‌شود كه داراي پانصد در باشد. نمايندة قائم، در آن نماز مي‌گزارد؛ زيرا مسجد كوفه براي آن‌ها تنگ خواهد بود. دوازده پيش نماز عادل آن‌جا نماز مي‌گزارد.[31]

اين روايات، حاكي از عمران، آباداني و توسعة موزون محيط زيست انساني، حيواني و نباتي در كل عالم است. اين نيز ماحصل حمايت كامل از حقوق زيست محيطي در آن دوران درخشان است. نتيجة چنين وضعيتي آن است كه حتي كرة‌زمين در مقايسه با وضعيت بهينه خويش و از اين كه در زير قدم‌هاي ياران مهدي عجل الله تعالي فرجه قرار مي‌گيرد، به خود باليده و احساس غرور و افتخار مي‌كند. از امام باقر عليه السلام در اين مورد چنين نقل شده است:

گويا ياران قائم را مي‌بينم كه بر شرق وغرب جهان احاطه يافته‌اند و همه چيز تحت فرمان آن‌ها است؛ حتي درندگان زمين و پرندگان شكاري آسمان، پي رضايت آن‌ها خواهند بود و همه چيز حتي اين نقطة زمين برنقطه ديگر آن اظهار فخر و غرور مي‌كند و مي‌گويد: امروز مردي از ياران قائم برمن قدم نهاد و عبوركرد.[32]

6. مقابله با آلاينده‌ها و رعايت حريم‌هاي خصوصي و عمومي‌در حيات مدني

اين موارد، نه تنها به عنوان مصاديق دقيقي از حفظ حقوق محيط زيست صورت مي‌گيرد، بلكه حتي اگر آلايندگي محيط زيست منحصر به اشراف بر يك منزل يا ريزش آب از ناودان‌هاي منازل به محيط عمومي باشد يا اين كه مسجد مشرف به خانه‌هاي مردم شود يا حتي بخشي از يك بنا در راه‌هاي عمومي ساخته شده باشد، با برخورد حكومت مواجه شده و اين مورد ـ هر چند با تخريب مسجد ـ برطرف مي‌شود. در اين باره در كتاب ارشاد، ابوبصير در حديثي طولاني از امام صادق عليه السلام روايت كرده است كه مي‌فرمايد:

هنگامي كه قائم ما قيام كند، چهار مسجد را در كوفه منهدم مي‌كند و هيچ مسجد مشرفي را نمي‌گذارد جز اين كه كنگره و اشراف آن را خراب مي‌كند و به حال ساده و بدون اشراف مي‌گذارد. شاهراه‌ها را توسعه مي‌دهد؛ هر گوشه‌اي از خانه‌ها را كه در راه عمومي واقع ‌است، اصلاح مي‌كند و ناودان‌ها را كه مشرف به راه مردم است، بر مي‌دارد. هر بدعتي رابرطرف مي‌سازد و هر سنتي را باقي مي‌گذارد... [33]

7. استفاده از راه‌كارها و فن‌آوري‌هاي جديد درمحيط زيست

نكتة قابل ذكر در اين‌جا آن است كه در عصر ظهور رشد و ترقي علوم و فنون به اوج خود رسيده و دانش، بنا بر روايات، از دو حرف، به بيست و هفت حرف خواهد رسيد؛ ضمن اين كه با شكوفايي و كمال عقلانيت بشري و افزايش فهم و درك جامعه انساني به عنوان يكي از مواهب خداداد عصر ظهور مواجه هستيم. پر واضح است در چنين وضعيت بالنده و سرشار از فن آوري‌هاي نوين، هزاران ابزار جديد علمي براي مقابله با آلاينده‌هاي صنعتي در دسترس بشر قرارخواهد گرفت و جهان از وجود تمام آن‌ها رهايي خواهد يافت. همچنين در آن عصر، با تعالي جامعه و افراد انساني، بشر، در جايگاه اصلي‌ترين آلايندة محيط زيست، عاقلانه و برمبناي اعتقاد عملي به ديانت خويش، از ارتكاب اين‌گونه اعمال، پرهيز خواهد كرد.

8. گسترش حفظ محيط زيست به فضاهاي ماوراي زميني

برخي از خبرگان مباحث مهدويت معاصر، بر اين باورندكه طبق روايات متعدد، كُرات زيادي در آسمان‌ها وجود دارد كه آباد و داراي جوامعي از مخلوقاتند كه غير از نوع انسان و فرشته و جن هستند. علامة مجلسي، مجموعه‌اي از اين روايات را در بحار الانوار گرد آورده است. به اعتقاد برخي از مفسران، شماري از آيات قرآن نيز بر اين معنا دلالت دارد؛ از آن جمله، اين آية شريفه:‌اي جنيان و انسان‌ها! اگر مي‌توانيد به اعماق آسمان‌ها و زمين راه پيدا كنيد، اقدام كنيد؛ ولي موفق به اين نفوذ و سفر نمي‌شويد، مگر با تسلط و فرمان‌روايي.[34]

آنچه از اين مبحث به دست مي‌آيد، اين است كه در آن عصر نوراني، هم محيط زيست و هم صيانت و حفاظت از آن، در مقايسه با جهان فعلي، ابعاد بسيار گسترده‌تري پيدا كرده و قلمرو آن، به همه كُرات تحت سيطره حكومت حضرت نفوذ خواهد كرد.

9. تعالي معنوي محيط زيست و همراهي آن با حيات طيبة مهدوي

بيان شد كه حتي در دولت مهدوي حيوانات وحشي، تعالي پيشه كرده و با كنارگذاشتن توحش، رام گشته و تكامل مي‌يابند. جالب اين كه در برخي روايات، حيوانات عادي هم، كار‌هاي مخرب خود را كنار مي‌نهند، تا جايي كه حيواني مانند موش،ديگر انباني را پاره نمي‌كند. اين تكامل‌خواهي، تنها به حيوانات و نباتات محدود نمي‌شود؛ بلكه جمادات نيز مي‌خواهند به اين حيات طيبه وارد شده و به نهضت جهاني امام عصر عليه السلام مساعدت كنند. در اين‌باره به واسطة ابوبصير، از امام صادق عليه السلام منقول است كه فرمود:

... وقتي با ارادة خدا، قائم قيام كند و چون ظهور كند، كافران و مشركان، از قيام و ظهور وي ناراضي و نگرانند؛ زيرا اگر كافر يا مشركي پشت صخره‌اي نهان شود، آن صخره به صدا درآيد و گويد: «اي مسلمان! در پناه من، كافر يا مشركي مخفي شده است؛ او را به قتل برسان». وي اقدام كرده و او را به هلاكت مي‌رساند.[35]

10. عاري بودن نبردها و قيام مهدوي از تخريب‌هاي زيست محيطي

تمام روايات دربارة قيام حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه بر اين مطلب تصريح دارند كه در دورة ظهور امام عليه السلام، ياران وي، به مجازات و قتل و نابودي ستمگران اقدام خواهند كرد و همانند عمل جراحي لازمي، جامعه اسلامي و سايرجوامع جهاني را از لوث وجود سركشان و ستم پيشگان پاك‌ مي‌كنند؛ زيرا بدون اين اقدامات، هرگز بساط ظلم زورمداران برچيده نشده و عدالت، حاكميت پيدا نمي‌كند. اگر امام با سياست ِ ملايمت و گذشت با آن‌ها رفتار كند، هرگز ترفندها و توطئه‌هاي جديد مستكبران و افساد كنندگان در زمين از بين نخواهد رفت. حضرت، در عصر قيام ـ بنا به روايات ـ توبه ظاهري هيچ مجرم و جنايت‌كاري را نمي‌پذيرد. همان‌طور كه پيامبر اكرم صل الله عليه و آله در براندازي نظام جاهلي، جهاد پيشه كرد و با كافران به قتال و كارزار پرداخت، قيام مهدوي نيز علاوه بر تأسي به سيرة پيامبر صل الله عليه و آله در اين زمينه، حتي سخت‌گيري بر ستمگران را جايگزين رأفت نبوي مي‌نمايد.[36]

از امام باقر عليه السلام روايت شده است كه فرمود:

اما شباهت داشتن مهدي به جد گرامي‌اش رسول خدا صل الله عليه و آله قيام و ظهور او با شمشير و كشتن دشمنان خدا و رسول او و ستمگران و طاغوت‌ها است. وي به وسيلة شمشير و ايجاد ترس در دل دشمنان، پيروز مي‌شود و لشكريان او شكست نمي‌خورند.[37]

متاسفانه برخي از دشمنان يا حتي دوستان نا آگاه در ميزانِ اعمال خشونت و كشتار حكومت مهدوي، چنان راه غلو پيشه كرده‌اند كه قاطعانه مي‌گويند: حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه در تقابل با دشمنان خويش، به جنگ هسته‌اي خواهد پرداخت و آن‌ها را با اين سلاح مهيب به ورطه نابودي خواهد كشاند. بايد گفت: نه تنها در عصر ظهور، نيازي به سلاح هسته‌اي نيست؛ بلكه نبرد حكومت مهدوي با دشمنان، فاقد تبعات تخريب زيست محيطي و ايجاد فجايع محيط زيستي ـ مشابه آنچه امروز اتفاق مي‌افتد ـ خواهد بود. برخي از ادلة اين مدعا، چنين است:

الف‌. بنابر برخي ارزيابي‌ها، در اثر يك جنگ هسته‌اي معمولي در جهان امروز، انسان‌هاي زيادي كشته خواهند شد. ابرهاي هسته‌اي ايجاد شده در اثر انفجار اوليه، منجر به ظهور زمستاني طولاني مدت با كاهش دماي حدود پنجاه درجه زير صفر مي‌شود. زمين، مدت‌ها از نور خورشيد محروم شده و در اين مدت، گياهان از رويش بازخواهند ايستاد. و شايد بسياري از آن‌ها و از جمله حيوانات، نابود شوند. حال اين سؤال قابل طرح است كه بنابر روايت‌هاي قبل، چگونه ممكن است قيامي باعث رضايت وخشنودي همة ساكنان سماوي و ارضي شود و در عين حال، هم آن‌ها و هم محيط زيست را به بدترين شكل نابود كند؟! ضمن آن كه اثرات و تشعشعات چنين جنگي، ديرپا است و ده‌ها سال داراي اثرات مرگ‌بار خواهد بود. اين نيز با ماهيت حيات طيبة آرماني مهدوي منافات دارد. مگر نه اين است كه در روايات آمده است: حكومت مهدوي، حكومتي است كه حتي خفته‌اي را بي‌سبب بيدار نمي‌كند؛ پس چگونه ممكن است در قيام امام، از سلاح‌هاي كشتار‌جمعي و اين چنين مخرب استفاده شود؟ آن هم در دوره‌اي كه عصر سخن از امنيت فراگير در انحاي عالم و سرشاري جهان، از نعمت امنيت است.

ب. با توجه به روايات پيش‌گفته، مبني بر افزايش فهم بشري و گسترش دانش بشري از دو حرف به 27 حرف در عصر ظهور، ‌بديهي است امام عليه السلام مي‌تواند با ابزارهاي نوين و تقابلي كه مبتني بر فناوري‌هاي جديدي باشند، هم به مبارزه با سلاح‌هاي مخرب ستمكاران عالم بپردازد و هم تأثير اين سلاح‌ها را خنثا كند؛ لذا امام عليه السلام مي‌تواند با استفاده از علم زمانة خويش، شمشير را كه در روايات، سلاح نمادين حضرت ذكر شده است، به سلاح‌ها و ابزارهاي متعارف و كار آمد روز متحول سازد؛ ابزارهايي كه در عين تأثير‌گذاري، فاقد آلايندگي و تخريب زيست محيطي باشند.

ج. بنا به روايات، قتال حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه همانند كشتارهاي بي‌هدف امروزي نيست. حضرت با استفاده از علم لُدنّي خويش، تنها كساني را كه به هيچ وجه اصلاح پذير نيستند، هلاك مي‌سازد و بقيه بد‌كاران قابل اصلاح را به حال خود رها مي‌كند، تا توبه كنند و اصلاح شوند؛ همان طور كه در روايات، نعمت‌هاي عصر ظهور، هم براي نيكوكاران و هم بدكاران لحاظ شده است.

ازسوي ديگر، ‌طبق روايت، انهدام بخش قابل توجهي از جامعة بشري توسط حكومت مهدوي صورت نمي‌گيرد؛ لذا نمي‌توان آن را محصول عمليات نظامي و تخريبي حضرت دانست؛ بلكه قبل از ظهور اين اتفاق به دست خود انسان‌ها در اثر منازعات جوامع انساني حاصل مي‌شود. بدين ترتيب در همه گيتي، فرياد موعود‌خواهي بلند شده و مردم، نجات خود را از خداوند طلب مي‌كنند؛ لذا اين گونه فجايع انساني و زيست محيطي، محصول دورة قبل از ظهور است. امام صادق عليه السلام در اين باره مي‌فرمايد:

قبل از ظهور قائم دو نوع مرگ و مردن، گريبان مردم را مي‌گيرد: يكي مرگ سرخ و ديگري مرگ سفيد؛ مرگ سرخ، با شمشير است و مرگ سفيد، طاعون. از هر هفت نفر، پنج نفر از بين مي‌روند و دو نفر باقي مي‌مانند.[38]

امام علي عليه السلام فرموده ‌است:

مهدي عجل الله تعالي فرجه خروج نمي‌كند، تا اين كه قبل از او، ثُلث مردم كشته مي‌شوند و ثلث ديگر مي‌ميرند و ثلثي باقي مي‌مانند.[39]

د. طبق روايات فراوان، قيام مهدوي با رعب و نصرت الهي و با كمك فرشتگان وحتي جبرئيل و ميكائيل همراه است؛ بنابراين، حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه به استمداد از سلاح‌هاي مخربي مانند سلاح هسته‌اي نياز نخواهند داشت. در صورت تمسك آن حضرت به سلاح‌هاي نوين، بديهي است چنين اقدام تقابلي‌اي، مستظهر به نصرت الهي و مؤيّد به مساعدت فرشتگان و فاقد هرگونه تخريب زيست محيطي يا فجايع انساني باشد. چنين تفكري، از اساس، محال و حتي تناقض‌نما (پارادوكسيكال) است. برخي رواياتي كه حاكي نصرت الهي در حكومت وقيام مهدوي‌اند به شرح زيراست:

امام صادق عليه السلام فرموده: » قائم در كنف حمايت جبرئيل و ميكائيل مي‌باشد.‌«[40]

شيخ مفيد در كتاب ارشاد، از ابوبكر حضرمي روايت كرده كه امام محمد باقر عليه السلام فرمود:

گويا قائم را در بلندي كوفه ]= نجف[ مي‌بينم كه با پنج هزار فرشته ـ در حالي كه جبرئيل از سمت راست و ميكائيل از سمت چپ و مؤمنان پيش روي او قراردارند ـ به آن‌جا آمده است و لشكرهاي خود را در شهر پراكنده مي‌سازد.[41]

پيامبر نيز در فرازي طولاني در شرح ويژگي‌هاي حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه وقيام وي فرمود:

او دين خدا را بر همة اديان غالب مي‌گرداند و با نصرت خدا و فرشتگان تأييد شود؛ پس زمين را پر از عدل و داد كند؛ چنان‌كه پر از جور و ستم شده بود.[42]

با اين توضيحات، كاملاً روشن است كه قيام الهي حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه كه معطوف به حيات طيبه قرآني و عاري از هرگونه آلودگي و تلوث است، برخلاف اين توهم، چشمه جوشان طهارت، صلح، صفا، پاكي و صميميت در سپهر حيات انساني، جانوري و نباتي و حتي عرصه‌هاي فرا زميني خواهد بود.

نتيجه

در نوشتار حاضر، در راستاي تبيين وضعيت حقوق محيط زيست در آموزه حيات طيبة مهدوي، ابتدا به وضعيت حقوق مزبور و اهميت محيط زيست و شرايط بحراني آن در جهان امروز اشاره شد. سپس با هدف تشريح هر چه بيشتر موضوع حاضر در حكومت جهاني موعود، به طور اجمال، ‌اين مسأله در سيرة نبوي و ساير معصومان عليهم السلام بررسي شد. نتيجه اين بررسي، نشان داد كه توجه ويژه حكومت مهدوي به موضوع محيط زيست و ارتقاي تعالي‌بخشي به آن، به شكل كاملاً نمايان، ريشه در تفكر اسلامي و سنت ناب نبوي و علوي دارد. آن‌گاه به طور اخص، مبحث حاضر در آموزة مهدوي تحقيق شد و اين نتيجه به دست آمد كه در عصر ظهور، حقوق محيط مذكور به نحوكمال رعايت شده و حتي موجودات و محيط زيست آن‌ها در همة جهان هستي دچار ارتقا و تكامل در حيات مادي و معنوي شده و ضمن همراهي رضايتمندانه، به نهايت تحقق استعدادها و قابليت‌هاي بالقوه خويش خواهند رسيد؛ عالم هستي از هرگونه تلوث، آلودگي و آلايندگي مادي و معنوي، ‌تطهير و پاك خواهد شد و با اشراق الهي، منور و مشعشع مي‌شود. همچنين با نابودي شيطان و كليه وساوس شيطاني، تسبيح و حمد الهي، كليه موجودات حتي جمادات، بيش از پيش با انسان متعالي اين عصر نو‌پديد و سعيد، هم‌نواتر خواهند شد. در خاتمه برخي ويژگي‌هاي زيست‌محيطي دوران طيبة مهدوي به نحو اجمالي يادآور مي‌شود: تطهير و نورانيت زمين، رضايت و سرور موجودات و محيط زيست، امنيت، صلح و دوستي در سپهر انساني، حيواني و گياهي، فعليت‌يابي كليه قابليت‌هاي محيط زيست در عالي‌ترين حد؛ عمران، آباداني و توسعة موزون محيط زيست، مقابله با آلاينده‌ها و رعايت حريم‌هاي خصوصي و عمومي درحيات مدني، استفاده از راه‌كارها و فن آوري‌هاي جديد در حفظ محيط زيست، گسترش حفظ محيط زيست به فضاهاي ماوراي زميني، تعالي معنوي محيط زيست و همراهي آن با حيات طيبة مهدوي، عاري بودن نبردها و قيام مهدوي از تخريب‌هاي زيست محيطي.

بنابراين، محيط زيست و موجودات هستي، با اين تحول و استحاله ايجابي، به اصل و وضع اصلي و طبيعي و الهي خود باز خواهند گشت و بنا بر تعريف عدل (قرارگرفتن هر چيز در جاي خود و استيفاي اهليت‌ها و استحقاق‌ها) عدالت، درباره آن‌ها اجراشده و به نهايت اهليت و سزاواري و تحقق استعدادها و قابليت‌هاي مكنون خويش دست خواهند يافت.

 [1]. ويل دورانت، تاريخ تمدن، ج1تا5.

[2]. «مَن‌َ غَرَس‌َ غَرْساً لَم‌ْ يَأْكُل‌ْ مِنْه‌ُ آدَمِي‌ٌ وَلا خَلْق‌ٌ مِن‌ْ خَلْق‌ِاللهِ اِلاّ كان‌َ لَه‌ُ صَدَقَة‌ٌ» نهج الفصاحة، ص493، ح2921.

[3]. «ما مِن‌ْ رَجُل‌ٍ يَغْرِس‌ُ غَرْساً اِلاّ كَتَب‌َ الله لَه‌ُ مِن‌َ اَلاْجْرِ قَدْرَ ما يَخْرُج‌ُ مِن‌ْ ثَمَرِ ذلِك‌َ اَلْغَرْس‌ِ»، همان، ص535، ح‌2674.

[4]. «…وَ خَلَق‌َ لَه‌ُ اَلْشَّجَرَ فَكَلَّف‌َ غَرْسَها وَسَقْيَها وَاَلْقِيام‌َ عَلَيْها»، بحارالانوار، ج3، ص86.

[5]. «مَن‌ سَقي‌ طَلْحَة‌ً أَوْ سِدْرَة‌ً فَكَأَنَّما سَقي‌ مُؤْمِناً مِن‌ْ ظِماءٍ»، وسائل‌ الشيعه، ج12، ص 25، باب‌ 10، ح‌ 4؛ تفسير عياشي‌، ج2، ص86، ح‌ 44.

[6]. نهج‌الفصاحة، ص140، حديث1730.

[7]. «تَحَفَّظوُا مِن‌َ اَلاْرْض‌ِ فَإِنَّها أُمُّكُم‌ْ وَ اِنَّه‌ُ لَيس‌َ مِن‌ْ أَحَدٍ عامَل‌َ عَلَيْها خَيْراً اَوْ شَرّاً إِلاّ وَهِي‌َ مُخْبِرَة‌ٌ بِه‌ِ»، نهج‌ الفصاحه، ص663، ح1130.

[8]. «لِلدّابَة‌ِ عَلي‌ صاحِبِها سِت‌ُّ خِصال‌ٍ: يَعلِفُها إِذا نَزَل‌َ، وَيَعْرِض‌ُ عَلَيْها اَلْماءَ إِذامَرَّ بِه‌ِ، وَلا يَضْرِبُها إِلاّ عَلي‌ حَق‌ٍّ، وَلا يَحْمِلُها ما لا تُطيق‌، وَلا يُكَلِّفُها مِن‌ْ اَلسَّيْرِ اِلاّ طاقَتَها وَلا يَقِف‌ُ عَلَيْها فُواقاً». مستدرك‌ الوسائل‌، ج8 ، ص258، ح‌‌9393.

[9]. وسايل الشيعه، ج8، ص319.

[10]. نهج‌الفصاحه، ص526، ح2763.

[11]. همان، ح1559.

[12]. شيخ صدوق، خصال، ص299؛ مجلسي، بحارالانوار، ج103، ص129.

[13]. شيخ صدوق، امالي، ص512.

[14]. شيخ كليني، كافي، ج6، ص538.

[15]. سيدصادق موسوي، تمام نهج‌البلاغه، ج3، ص216، مؤسسه اعلمي للمطبوعات، بيروت، 1426ق؛ خطبه‌هاي شگفت، ترجمه سيدعلي رضا حجازي، ص180، فارسي الحجاز، قم، 1384ش.

[16]. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغه، حواشي ابراهيم شمس الدين، بيروت، دارالكتب العلميه، 1420ق.

[17]. «يطهر الله به الارض من كل جور ويقدّسها من كل ظلم... فاذا خرج، اشرقت الارض بنور ربها و وضع ميزان العدل بين الناس فلايظلم احد احدا وهوالذي تطوي له الارض» بحارالانوار، ج52، ص322.

[18]. «…يملاء الارض عدلا كما ملئت جوراً يرضي في خلافته اهل الارض و اهل السماء و الطير في الجو» بحارالانوار، ج51، ص95.

[19]. همان، ج52، ص316.

[20]. «اسمه اسم النبي يامر بالعدل ويفعله و ينهي عن المنكر و يجتنبه يكشف الله به الظلم ويجلو به الشك والعمي يرعي الذئب في ايامه مع الغنم ويرضي عنه ساكن السماء والطير في الجو والحيتان في البحار...» بحارالانوار، ج36، ص219.

[21]. حلية الابرار، ج2، ص620؛ غاية المرام، ص697 .

[22]. بحارالانوار، ج52، ص316.

[23]. همان ، ص304.

[24]. همان ، ص316.

[25]. «فيخطب الناس فتستبشر الارض بالعدل وتعطي السماء قطرها و الشجر ثمرها و الارض نباتها و تتزين لاهلها... و تخرج لهم الارض كنوزها...»؛ بحارالانوار، ج53، ص85.

[26]. «يظهر الله له كنوز الارض و معادنها و ينصره بالرعب...»؛ بحارالانوار، ج52، ص323.

[27]. «...يخرج رجل من اهل بيتي ويعمل بسنتي ونزل الله له البركه من السماء وتخرج الارض بركتها... يتنعم امتي في زمانه نعيماً لم يتمتعوا مثله قط البر والفاجر يرسل السماء عليهم مدرارا و لاتدخر الارض شيئاً من نباتها...»؛ بحارالانوار، ج51، ص78.

[28]. همان، ج52، ص190.

[29]. تفسير قمي، ج2، ص346.

[30]. شيخ طوسي، غيبت، ص468؛ مجلسي، بحارالانوار، ص330.

[31]. بحارالانوار، ج52، ص374؛ شيخ طوسي، التهذيب، ج3،ص253.

[32]. همان، ج52، ص327.

[33]. همان، ص333.

[34]. (يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ) الرحمن (55): 33.

[35]. علامه مجلسي، بحارالانوار، ج52، ص324.

[36]. همان، ج52، ص353.

[37]. همان، ص338.

[38]. بحارالانوار، ج52، ص207.

[39]. «لايخرج المهدي حتي يقتل ثلث و يموت ثلث و يبقي ثلث»؛ معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، ج3، ص21.

[40]. بحارالانوار، ج52، ص367.

[41]. همان، ج52، ص343.

[42]. همان، ص322.